



مقدمه

نوروز قرن هاست بر همه جشن های جهان فخر می فروشد، جشن جهان است و روز شادمانی زمین، آسمان و آفتاب و جوش شکفتن ها و شور زادن ها و سرشار از هیجان هر آغاز. جشن های دیگر، اغلب انسان ها را از کارگاهها، مزرعه ها، دشت و صحرا، کوچه و بازار، باغ ها و کشتزارها، در میان اطاق ها و زیر سقف ها و پشت درهای بسته جمع می کند؛ اما برخلاف آن جشن های ملی، نوروز همه را به دشت و صحرا، استشمام بوی عطر گل ها، مشاهده درخشش آفتاب، شنیدن نغمه های دل انگیز بلبلان و گنجشک ها، خروش پر شتاب رودخانه ها و نغمه دل انگیز لرزش طبیعت و دریاها دعوت می کند.

خاستگاه نوروز

بیشتر حکایات اسطوره ای - افسانه ای ایران، دوره پیشدادی را زمان پیدایی نوروز و جمشید و چهارمین پادشاه پیشدادی را بنیانگذار نوروز و آئین نوروزی به شمار آورده اند. دوران جمشید، دورانی طلایی به شمار آمده است؛ در آن دوران خوردنی ها کاهش نمی یافت، چهارپایان و مردمان نمی مردند، گیاهان نمی خشکیدند، سرما و گرما و پیری و رشک وجود نداشت. جمشید بر هفت کشور زمین فرمان می راند و نیک بختی، شهرت، گله و رمه، خشنودی و حرمت را از دیوان گرفته بود؛ پس آنگاه که دروغ گفت، فرّه به صورت مرغی از پیش او بیرون رفت. (1) جمشید شخصیتی این جهانی و محبوب ترین چهره در دوران کهن ایرانی بوده است. او همه آفریده های مادی را از آن خود می شمرد و مدعی بود که آب و گیاه و خورشید و ماه را آفریده است. پیوند نوروز با جمشید از سویی به کهن سال بودن نوروز و از سوی دیگر به محبوب بودن چهره جمشید و خاطره خوشی که از او در ذهن مردم بازمانده، اشاره دارد. (2) فردوسی در داستان پدید آمدن نوروز نقل می کند که وقتی جمشید از کارهای کشوری بیاسود، بر تخت کیانی نشست و همه بزرگان لشگری و کشوری بر گرد تخت او فراهم آمدند و بر او گوهر

پاشیدند؛ جمشید آن روز را که نخستین روز از فروردین و آغاز سال بود، نوروز نامید و جشن گرفت.

نامگذاری نوروز

در علت نامگذاری نوروز با توجه به ترکیب کلمه نوروز که از دو کلمه نو و روز تشکیل شده است، تقریباً اختلاف نظری وجود ندارد؛ اما اگر اختلافی هست، در شخصیتی است که این روز را نام نهاد. مسلم این است که نوروز آغاز تحولی مثبت در جامعه آن روز بوده است یا خصم نابود شده یا عدالت گسترش یافته است. مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار از قول ابوریحان بیرونی می نویسد: بعضی از حشویه گفته اند که وقتی سلیمان بن داوود انگشتر خود را گم کرده بود، ملک و پادشاهی از او رخت بربست؛ اما بعد از چهل روز آن انگشتر را یافت و بعد از آن شوکتش به او بازگشت و پادشاهان نزد او آمدند و پرندها به فرمان او درآمدند و فارسیان گفتند: نوروز آمد؛ یعنی روز جدید آمد و به این خاطر نوروز نام گرفت که سلیمان به باد فرمان داد و پرستوها را به حضور پذیرفت. (3) اما علامه مجلسی خود می نویسد: جمشید بر سراسر جهان تسلط یافت و سرزمین ایران را آباد کرد و اسباب کارها و امور در نوروز برای او تکمیل و موزون شد، از این رو این روز آغاز سال عجم گردید. (4)

درباره پیدایش و وجه تسمیه نوروز، افسانه های بسیار نقل شده است. یکی از آن ها که در وجه تسمیه نوروز جلب توجه می کند، این است که بعضی گفته اند که جمشید که او اول جم نام داشت و عرب ها او را منوشلح می گویند، سیر عالم می کرد. چون به آذربایجان رسید، فرمود تخت مرصعی را بر جای بلندی رو به جانب مشرق گذارند و خود تاج مرصعی بر سر نهاده و بر آن تخت بنشست؛ همین که آفتاب طلوع کرد و پرتوهایش بر آن تاج و تخت افتاد، شعاعی در غایت روشنی پدید آمد. مردمان از آن شادمان شدند و گفتند این روز نو است. (5) همچنین در این مورد در نوروزنامه اشاره ای چنین شده است: ایزد تعالی آفتاب را از نور بیافرید و آسمان ها و زمین بدو پرورش داد و جهانیان چشم بر وی دارند که نوربست از نورهای ایزد تعالی و اندر وی با جلال و تعظیم نگرند که در آفرینش وی را ایزد تعالی عنایت بیش از دیگران بوده است؛ چون ایزد تبارک بدان هنگام فرمان فرستاد که ثبات بر کرد تا تابش و منفعت او به همه چیزها برسد. آفتاب از سر حمل برفت و آسمان او را بگردانید و تاریکی از روشنایی جدا گشت و شب و روز پدیدار شد و آن آغازی شد مر تاریخ این جهان را. (6)

نوروز در میان زرتشتیان

عید نوروز و جایگاه آن در نزد ایرانیان، دیرین و کهن است. برجسته ترین انگیزه راستین این جشن بر آن پایه استوار است که آغاز سال می باشد و آغاز بهار. سال در نزد ایرانیان به دو بخش تقسیم می شده، تابستان و زمستان. تابستان هفت ماه از آغاز بهار و فروردین ماه بوده تا پایان مهرماه و زمستان بزرگ که از یکم دی ماه تا پایان اسفندماه و پنجه بزرگ یا روزهای کبیسه در شمار بوده است. ایرانیان شمالی که کیش و آیین زرتشتی نیز

داشته اند، آغاز سال را با فرا رسیدن بهار و قرار گرفتن برج حمل در آفتاب آغاز کرده و آن را جشن می گرفته اند؛ اما ایرانیان جنوبی آغاز سال را با آغاز فصل سرد و زمستان پنج ماهه برگزار کرده و جشن مهرگان را بسیار گرمی می داشتند. واژه سال در فرس باستان، جدا شده از واژه (سَرِد) به معنای سرد است، از این رو سال را با فصل سرد آغاز می کردند؛ چنانکه بعدها در گویش های جنوبی ایران نیز نوروز به (نو سرد) و (نوسرد) نامبردار شد. ساسانیان از ایرانیان جنوبی هستند، اما چون از آئین و کیش زرتشت پیروی می کردند، نوروز را به جای مهرگان، آغاز سال قرار دادند و مهرگان را نیز با همان فر و شکوه و آیین و بزرگداشت دیرین برقرار و نگاه داشتند؛ از همین روست که نوروز و مهرگان در پیش آن ها گونه ای پاکی و ارجمندی داشت و آیین و آداب یکسانی روا می داشتند و با نگرش به روایتی که از سلمان فارسی آورده اند، این پاکی و گردش دوگانه دیده می شود. (7) او می گوید: ما در روزگار زرتشتی بودن می گفتیم، خداوند برای زینت بندگان خود یاقوت را در نوروز و زبرجد را در مهرگان بیرون آورد و برتری این دو بر روزهای دیگر مانند برتری یاقوت و زبرجد است به گوهرهای دیگر. (8)

آغاز هر ماه و سال نزد آنان پاک بوده است و آیین های دینی انجام می داده اند. پاکی آغاز ماه بدان انگیزه بود که روز نخست هر ماه به نام خداوند هرمزد نام داشت و در این روز نمازهای ویژه خوانده می شد و به ویژه چون آغاز ماه و سال با هم برخورد می کرد، این به فال نیک و جشن و شادی همراه بود. البته در اوستا، کتاب دینی زرتشتیان، به نوروز و آئین های نوروزی اشاره ای نشده است، اما از تداول جشن های ششگانه گاهنبار (9) ایران باستان نام برده شده است.

عطر نوروز اسلامی

اسلام که همه رنگ های قومیت را زدود و سنت ها را دگرگون کرد، نوروز را جلای بیشتر داد، شیرازه بست و آن را با پشتوانه ای استوار، از خطر زوال در دوران مسلمانی ایرانیان مصون داشت. نوروز که با جان ملیت زنده بود، روح مذهب نیز گرفت. سنت ملی و نژادی، با ایمان مذهبی و عشقی نیرومند تازه ای که در دل های مردم این سرزمین بر پا شده بود، پیوند خورد و محکم گشت، مقدس شد و در دوران صفویه رسماً یک شعار شیعی گردید؛ مملو از خلوص و ایمان و همراه با دعاها و اوراد ویژه خویش، آن چنان که یک سال نوروز و عاشورا در یک روز افتاد و پادشاه صفوی، آن روز را عاشورا گرفت و روز بعد را نوروز. (10)

اسلام در برخورد با نوروز شیوه پذیرش سنت موجود و هدایت آن به سوی مطلوب را انتخاب کرد. زمانی که اسلام پا به عرصه وجود گذاشت، آداب و رسوم و باورهایی در شبه جزیره عربستان و دیگر نقاط جهان وجود داشت که شریعت اسلام در برخورد با آن سنت ها سه شیوه را اتخاذ کرد: یا آن ها را کاملاً تأیید نمود و بدون هیچ گونه تغییری پذیرفت و انجام آن را به پیروان خود توصیه کرد، مانند حرمت ماه های حرام و یا آن ها را کاملاً طرد و رد نمود، مانند سنت پسر خواندگی که اسلام آن را رد کرد و یا مواردی را مشروط به شرایطی پذیرفت، همچون نوروز که سنت دیرینه پارسیان است. در تأیید نوروز روایات فراوانی وارد شده است که نوروز به امامان عرضه شد، آن بزرگواران آن را تأیید نموده و حتی سفارشات و توصیه هایی را در گرمی داشت نوروز بیان کردند؛ اما نوع سفارشات و دستورات، همگی دلالت بر جهت دهی این سنت ملی ایرانیان بوده است. (11)

نوروز این سنت دیرینه اختصاص به پارسیان داشت. هنگامی که اسلام ظهور کرد، این سنت توسط برخی به اطلاع امامان معصوم: رسید و عده ای، آن را مستقیماً به امامان عرضه کردند تا نظر آن بزرگواران را درباره این سنت بدانند. امام باقر (علیه السلام) فرمود: برای علی (علیه السلام) هدیه نوروز، آوردند، آن حضرت فرمود: این چیست؟ گفتند: ای امیر مؤمنان امروز نوروز است. آن حضرت فرمود: هر روز ما را نوروزمان سازید. و نیز مجوسیان چند ظرف نقره که در آن شکر ریخته بودند در نوروز به آن حضرت هدیه کردند، آن حضرت هدیه آن ها را پذیرفت و شکرها را بین یاران خود تقسیم کرد و آن ظروف را به عنوان جزیه قبول کرد. (12)

اسلام و رخدادهای نوروز

آنچه از برخی روایات اسلامی بر می آید، این است که بعضی اتفاقات مهم در روز نوروز رخ داده است که نشان از اهمیت این روز دارد.

نوروز روزیست که خداوند متعال از بندگان خود پیمان گرفت. معلى بن خنيس مى نويسد، روز نوروز بر جعفر بن محمدصادق (علیه السلام) وارد شدم. آن حضرت فرمود: آیا این روز را مى شناسی؟ گفتم: فدایت شوم، این روزیست که عجم ها آن را گرمی داشته و به یکدیگر هدیه مى دهند. پس امام صادق (علیه السلام) فرمودند: قسم به بیت عتیق که در مکه است، این چیزی نیست مگر آنکه به قدیم الایام مربوط است. برای پده برداری مى کنم تا آن را بفهمی. گفتم: ای سرور من دانستن این از طرف شما برای من دوست داشتنی تر است، از این که مردگانم زنده شوند و دشمنانم بمیرند. پس فرمود: ای معلى مسلماً روز نوروز، رویست که خداوند در آن از بندگان پیمان ها گرفت که او را بپرستند و چیزی را شریک او ندانند و به رسولان و حجت های خداوند و ائمه معصومین: ایمان بیاورند. (13)

اخذ پیمان از بندگان قبل از خلقت مادی آن ها در آیات و روایات مسلم است. در ادبیات فارسی از آن روز به روز الست تعبیر مى کنند و در کتب اسلامی آن را به عالم زر مى شناسند. وجه تسمیه روز الست یا عالم زر آیات 172 و 173 سوره اعراف مى باشد.

اتفاقاتی که زمینه پا گذاشتن انسان در زمین را فراهم مى کند و به نوبه خود هر کدام نقش به سزایی در زندگی انسان ها دارد، طلوع خورشید و آن اول روزیست که خورشید در آن طلوع کرد، و هو یوم طلعت فیه الشمس. آغاز وزش باد وهبت به الریاح و به وسیله نوروز بادها وزیدن گرفت. آفرینش سبزه، و خلقت فیه زهره الارض و در آن روز سبزه زمین آفریده شد. خلقت آدم نیز مقارن با نوروز مى باشد. اولین روز از ماه فروردین خداوند متعال آدم را در آن روز آفرید و امام صادق (علیه السلام) نیز در حدیثی خلقت انسان را مقارن با اول فروردین دانسته است. (14)

فرو نشستن کشتی نوح (علیه السلام) در نوروز اتفاق افتاده است. طوفان نوح و ماجرای عجیب هلاکت امت او و پسرش بسیار مشهور است. کشتی نوح بعد از مدت ها که به روی آب بود، با فرمان الهی با فرو رفتن آب زمین بر کوه جودی آرام گرفت. گفته اند این کوه در دیار بکر موصل که تورات به آن کوه آرات نام داده، مى باشد. (15)

شکسته شدن بت ها توسط حضرت ابراهیم (علیه السلام) نیز واقعه ای دیگر است که در نوروز اتفاق افتاده

است. ابراهیم (علیه السلام) زمانی این کار را انجام داد که مردم از شهر خارج شده و حتی به او پیشنهاد داده بودند که تو هم با ما بیرون شهر بیا، اما ابراهیم بیماری خود را اظهار کرد و حماسه بت شکنی خود را در تاریخ جاودانه ساخت. آنچه در این داستان جاودانه می باشد، این است که ظاهراً مردم برای انجام مراسم عید از شهر خارج شده بودند و بت شکنی ابراهیم (علیه السلام) بنا به تصریح روایتی در نوروز بوده است: و هو الیوم الذی کسر فیه ابراهیم (علیه السلام) اصنام قومه. پس می توان گفت: که با ضمیمه شدن حدیث به آیات سوره صافات (16) مراسم نوروز در میان قوم ابراهیم (علیه السلام) نیز رواج داشته است و مردم به خاطر آن از شهر خارج شده اند. (17)

بت شکنی حضرت علی (علیه السلام) هم در نوروز رخ داده است؛ همان روزی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) امیرمؤمنان را بر دوش گذاشت و او بت های قریش را از بالای بیت الله الحرام به پایین انداخت و شکست. بت شکنی علی (علیه السلام) بعد از فتح مکه اتفاق افتاد. فتح مکه از فرازهای مهم تاریخ اسلام است؛ به طوری که بعد از آن مسلمانان عزت و شکوه واقعی خود را یافته و در سال بعد قبایل اطراف با آن ها بیعت کرده و یکی بعد از دیگری مسلمان شدند. بت شکنی علی (علیه السلام) بعد از مبارزه 21 ساله پیامبر (صلی الله علیه وآله) بسیار جالب توجه است. (18)

بیعت مسلمانان با علی (علیه السلام) در غدیر خم نیز از اتفاقات روز نوروز است «وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَمَرَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله) أَصْحَابَهُ أَنْ يَبَايَعُوا عَلِيًّا (علیه السلام) بِإِمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (19) روزی که نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) به اصحاب خود دستور داد تا با علی در مورد حکومت یا امارت بیعت کنند. بیان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در آن روز مبنی بر وصایت و ولایت حضرت علی (علیه السلام) به قدری اهمیت داشت که آیه تبلیغ نازل شد: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ (20) ای پیامبر آنچه از خدا بر تو نازل شد به خلق برسان و اگر نرسانی تبلیغ رسالت و ادای وظیفه نکرده ای و خدا تو را از شر و آزار مردمان محفوظ خواهد داشت که خدا گروه کافران را به هیچ راه موفقیت راهنمایی نخواهد کرد.

برخی روایات ظهور قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله) را نیز که نوروز دانسته اند؛ «الْثَّيُّوْزُ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَظْهَرُ فِيهِ قَائِمُنَا أَهْلُ الْبَيْتِ وَ وُلَاةُ الْأَمْرِ...» و آن روزیست که در آن قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله) والیان امر ظاهر می شوند. ظهور حجت از آرزوهای دیرینه ائمه هدی، شیعیان و همه مستضعفان عالم محسوب می شود؛ زیرا با آمدن امام مهدی آرزوهای انبیا و امامان: تحقق می یابد. تطبیق روز ظهور آن حضرت با نوروز نشانه خوبی بر فضیلت یافتن آن روز است. از امام صادق (علیه السلام) منقول است که خطاب به معلی فرمودند: بدان هیچ نوروزی نیست که ما اهل بیت انتظار فرج نداشته باشیم؛ زیرا آن روز از روزهای ما و از روزهای شیعیان ماست، آن روز را عجم حفظ کردند و حرمت آن را رعایت کردند و شما عرب ها آن را ضایع کردید. (21)

آداب نوروز در اسلام

امام جعفر صادق (علیه السلام) به معلی فرمودند: روز نوروز را روزه بدار و غسل کن و چهار رکعت نماز به جا آور و

در همین خبر است که فرمودند: این روزی است که خدای تعالی شما را آفرید، پس سزاوار است که به عبادت در این روز مشغول باشید. إذا كان يوم النيروز فاغتسل؛ وقتی نوروز شد غسل کن. طبق این حدیث غسل کردن از آداب نوروز محسوب می شود. (22) آب ریختن در نوروز جزء آداب نوروز ثبت شده که از قدیم الایام مرسوم بوده است. دهخدا می نویسد: در بامداد نوروز مردم به یکدیگر آب می پاشیدند و این رسم در قرن های نخستین اسلامی نیز رایج بوده است. دیگر اینکه هدیه دادن در نوروز از قدیم الایام مرسوم بوده و در اسلام این رسم با همان کیفیت تأیید و رسم هدیه دادن به طور کلی مورد پذیرش واقع شده است. دید و بازدید نوروزی هم یکی از آداب نوروز بر شمرده شده و با توجه به آن، اسلام این رسم پسندیده در نوروز را تأیید کرده است، تهادوا و تواصلوا فی الله؛ به خاطر خدا به یکدیگر هدیه داده و صله رحم کنید. (23) هر چند این سنت ها در ایام دیگر سال واجب است و معنای آن این است که در همه احوال صله رحم واجب بوده، اما در نوروز این وجوب تأکید بیشتری داشته و یا اگر چه از حد وجوب پایین تر بیایم، مورد قبول واقع است. پوشیدن لباس تمیز و معطر نیز در نوروز سفارش شده است. همچنانکه در حدیثی آمده است، وقتی نوروز شد غسل کن و بهترین و پاکیزه ترین لباس هایت را بپوش و با بهترین عطرها خود را معطر کن. (24)

روزه گرفتن در نوروز سنت دیگری می باشد که در احادیث به آن اشاره شده است؛ زیرا در آن روز و هر روز مقدس روزه گرفتن خوب بوده، مگر در عید رسمی مسلمانان (قربان و فطر) که روزه گرفتن در آن حرام است، اما در اعیاد دیگر مانند بعثت و غدیر استحباب روزه گرفتن مؤکد است. خواندن نماز عید سفارش شده، در حالی که معمولاً هم در گذشته و هم در حال گروهی از مردم با ورود به نوروز به قدری از معنویات غافل می شوند که گویا خبر دیگری نیست. (25)

پی نوشت ها :

- (1). تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص 148.
- (2). اسماعیل پور، ابوالقاسم، از اسطوره تا تاریخ، ص 359 و 360.
- (3). بحارالانوار، ج 56، ص 139.
- (4). همان، ص 141.
- (5). خلف تبریزی، برهان قاطع، ج 4، ص 2192 - 2187.
- (6). نوروزنامه خیام، ص 4 و 5 .
- (7). رضایی، عبدالعظیم، تاریخ نوروز، ص 139 و 140.
- (8). بیرونی، ابوریحان، آثارالباقیه، ص 291.
- (9). واژه گاهنبار، کوتاه شده گاهان بار است؛ یعنی گاه ها و زمان های به ثمر رسیدن و بار آمدن. این جشن به پیشه اصلی ایرانیان یعنی کشاورزی و دامداری ارتباط دارد. این جشن ها در شش هنگام یا شش چهره و در هر چهره به مدت پنج روز در سال برگزار می شده است.
- (10). شریعتی، علی، هبوط در کویر، ص 505 - 501 .
- (11). حسن آبادی، ابوالفضل، چشم انداز نوروز از نظر اسلام و تاریخ، ص 105.
- (12). وسایل الشیعه، ج 12، ص 214.

- (13). بحارالانوار، ج 56، ص 91 و 92.
- (14). همان، ص 105 - 92.
- (15). طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 10، ص 259 و بحارالانوار، ج 56، ص 93.
- (16). صفات ﴿37﴾ : 83 - 99.
- (17). بحارالانوار، ج 12، ص 32.
- (18). وسایل الشیعه، ج 8، ص 173 و 174 و حسن آبادی، همان، ص 78.
- (19). بحارالانوار، ج 56، ص 120.
- (20). مائده (5) : 67.
- (21). رساله نوروزیه، آیت الله سید عزیزالله، امامت کاشانی.
- (22). محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج 7، ص 132.
- (23). مستدرک الوسائل، ج 13، ص 205.
- (24). وسایل الشیعه، ج 5، ص 288.
- (25). حسن آبادی، همان، ص 92 و 93.

نشریه نامه جامعه، فروردین 1389 - شماره 67